

گفت‌وگو

خانم هاشمی، یکی از مسائل مبتلابه جامعه امروز، مسئله **حجاب است و جالب است** قبل از اینکه مصاحبه را شروع کنم، راجع به این مسئله گفته بودید که پدر نگاه آزادی داشت و هیچ‌وقت مسا را مجبور به کاری نکرد. اگر حجاب داشتیم، خودمان انتخاب کردیم، درحالی که مادر سخت‌گیری‌هایی داشت. زمانی هم سخنرانی جالبی داشت که معروف شد که زنان می‌توانند کت و دامن بپوشند. چنین سخنی در آن زمان کمی ثقیل به نظر می‌رسد.

جالب است بدانید که همان موقع همین اصلاح‌طلب‌های امروزی

فحشش دادند (با خنده).

نگاه شما به حجاب اجباری با اختیاری چیست؟

من همیشه نظرم این بود که اشتباه است که حجاب را اجبار کردند. تا دو سال بعد از انقلاب در کشور خانم‌ها بی حجاب بودند و یک‌دفعه این اتفاق افتاد. آخر هم نفهمیدم چه کسی پیشنهاد داد و هرچه هم می‌خوانیم، نمی‌فهمیم که چطور شد. ولی بالاخره نتیجه نگرفتیم. بچه‌های نسلی که ما تربیت کردیم، اگر درست تربیت می‌شدند، خودشان حجاب را انتخاب می‌کردند.

یعنی دلی انتخاب می‌کردند؟

بله، مگر این بچه‌ها در مدرسه‌های جمهوری اسلامی درس نخوانده‌اند؟ تلویزیون، آموزش‌وپرورش و سازمان تبلیغات در اختیار حکومت بوده و هست؛ پس معلوم است راه را اشتباه رفته‌ایم. اجبارکردن بدون آگاهی‌دادن هیچ فایده‌ای ندارد. شما آگاهی درست می‌دادید و موضوع را به خودشان واگذار می‌کردید. قبل از انقلاب یادم است در خانه‌های خیلی از مذهبی‌ها تلویزیون نبود. دلیی من تلویزیون داشتم. همسایه‌ای هم از دوستان مامانم تلویزیون داشتند. آن زمان فیلمی پخش می‌شد به نام «مراد برقی» که ما در منزل دایی یا همسایه تماشا می‌کردیم. مامانم به بابایم گفته بود این چه کاری است؟ خب در خانه خودمان تلویزیون باشد که بابا تلویزیون خرید. من گریه کردم که چرا تلویزیون خریدید، نباید در خانه ما تلویزیون باشد. بابا گفت تلویزیون بد نیست؛ استفاده بد از تلویزیون بد است. تلویزیون هم که دو کانال بیشتر نداشت. گفتند فیلم بد تماشا نکنید، موسیقی هم گوش ندهید. اخبار تلویزیون خوب است. تلویزیون مستندها و فیلم‌های خوبی پخش می‌کند؛ یعنی بابا این‌طور با ما رفتار می‌کرد. درباره حجاب هم همیشه می‌گفت مانتو و روسری حجاب است. ما خودمان همه‌جا با چادر می‌رفتیم. اول انقلاب گفتم بابا، دانشگاه با مانتو روسری بروم؟ گفت حتما برو که بداندن مانتو و روسری هم حجاب است. حتی یک ماه خارج از کشور با مانتو و روسری بودیم. در خانه هم هم‌پازای‌های‌مان پسرعمه و پسردایی‌ها بودند که ما با تونیک و شلوار و روسری مقابل آنها بودیم. بابا کار درست را به ما یاد می‌داد، منتها با اخلاق خویش یاد می‌داد، نه با دعوا. ظهر که می‌شد، می‌گفت بچه‌ها وقت نماز است؛ چون خودشان اعتقاد داشتند که سر وقت باید نماز بخوانند. نمی‌گفت بروید نماز بخوانید، می‌گفت وقت نماز است. یا ما خیلی بچه‌های کتاب‌خوانی بودیم و یک مدت که کمتر کتاب می‌خواندیم، می‌گفت من کتاب دست شما نمی‌بینم. نمی‌گفت برو این‌کار را بکن. اگر هم سؤال می‌کردیم، راهنمایی‌م‌مان می‌کرد. یک بار از بابایم تذکر نگرفتم.

آ از مادر چطور؟

مامان که مدام تذکر می‌داد.

تذکرات مادر بیشتر در چه مواردی بود؟
چیز خاصی که نمی‌گفت. مثلاً اگر مانتو کوتاه بود، می‌گفت چرا کوتاه است.

زیر چادر؟

نه، ما زیر چادر مانتو نمی‌پوشیدیم، همیشه بلوز و شلوار می‌پوشیدیم. من هر کلاسی که بود، ثبت‌نام می‌کردم. مامان می‌گفت چرا آن‌قدر کلاس می‌روی؟ بابا می‌گفت چرا نرود؟ برود همه چیز یاد بگیرد. هر کلاسی بود، از کمک‌های اولیه گرفته تا کلاس‌های دانشگاه را ثبت‌نام می‌کردم. قبل از انقلاب تظاهرات خیابانی بود. ما یواشکی می‌رفتیم. کیف‌مان را دم در خانه می‌گذاشتیم. آن موقع که بابا زندان بود، به اسم مدرسه می‌رفتیم و به خانه برمی‌گشتیم. بابا که آزاد شده بود، بیشتر می‌رفتیم. یک شب مامان به بابا می‌گفت چرا اجازه می‌دهی اینها بروند، ولی محسن فوتی بودند. اینها دختر هستند، اگر بلایي سرشان بیایوند ما چه کنیم؟ بابا می‌گفت وقتی بچه‌های مردم می‌روند می‌توانم بگویم بچه‌های من نروند؟ خب دختر باشند. به مامان می‌گفت مانع‌شان نشسو. اجازه بدهید برود که بعدا مامان خودش هم با ما می‌آمد.

رابطه‌تان با فائزه چگونه است؟ مثلاً دعوا می‌کنید؟

بله، دعوا کرده‌ایم، ولی یادم نیست به چه دلیلی.

پس مربوط به قدیمی‌بوده؟

بله. خب ما در خانواده‌ای هستیم که همه‌مان سیاسی هستیم و هرکس نظر خودش را دارد و گاهی به خاطر نظرات مخالف بحث‌مان می‌شود. زمانی که فائزه روزنامه زن را منتشر می‌کرد، محسن و مهدی خیلی با فائزه بحث می‌کردند.

فکری می‌کنم فائزه در مقایسه با شما بیشتر دوست دارد فعالیت سیاسی داشته باشد؟

بله، سیاسی‌تر است.

مثلاً زمانی که زندان رفت، اعتراض نکردید که چرا این‌کار را کردی؟ حمایتش می‌کردید؟

بله، بالاخره او راهش را این‌طور انتخاب کرده بود.

آیا محسن چون پسر ارشد است، سعی می‌کند با دیگران و حکومت مدارا کند؟

نه، آن به خاطر اعتقادمان است. به خاطر کوچک‌تر و بزرگ‌تربودن نیست. هرکس روشی دارد. مثلاً من چیزهایی می‌گفتم، بابا می‌گفت چرا این حرف را می‌زنی؟ خوب تو را هم می‌گیرند مثل فائزه زندان می‌اندازند.

پس بابا حریف فائزه نبود؟

بله، بعد بابا به من می‌گفت من تحمل ندارم سومی را –بعد از مهدی و فائزه– هم به زندان ببرند.

فکری می‌کنم از این نظر باسرد در سیاست از همه بی‌حاشیه‌تر است. باسر الان چه کار می‌کند؟

انجمن «رها» را اداره می‌کند و برای بیمارانی که از شهرستان به تهران می‌آیند، برای همراهان‌شان که به تهران می‌آیند و جا ندارند، اقامتگاه درست می‌کند.

با یکی از هم‌بندی‌های فائزه که صحبت می‌کردم، برای‌شان جالب بود که خانم مرغنی وسایل آش رشته درست کرده و به زندان می‌برد تا فائزه آنجا آش رشته درست کند. این درست است؟
خب گاهی فائزه رنگ می‌زد و از مامان می‌پرسید که فلان غذا را چطور درست کنیم. به هر حال خانواده ما این‌طوری هستند؛ یعنی مثل همه مردم هستیم.

www.sharghdaily.com

شنبه

۲۷ بهمن ۱۴۰۳

سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۵



نگاهی به نامزدهای جایزه اسکار ۲۰۲۵

انتخاب‌های امیدوارکننده

سینگ (Sing Sing)، رالف فاینس – ملاقات محرمانه (Conclave) و سباستین استن – کارآموز (The Apprentice). بدون تردید سباستین استن که در بازی نقش ترامپ جوان در فیلم کارآموز معجزه می‌کند و شخصیتی کاملا قابل باور را ارائه می‌دهد، شایسته اسکار است. تیموتی شالامی هم در نقش باب دیلن در «یک ناشناس کامل» بازی درخشانی دارد.

اما با شناخت از روحیه جمعی اعضای آکادمی شانس آدرین برودی برای گرفتن اسکار بیش از دیگران است.

سیتیتیا اریو – شرور (Wicked)، کارلا سوفیا کاسکون – امیلیا پرز (Emilia Pérez)، مایکی مدیسون – آنورا (Anora)، دمسی مور – ماده (The Substance) و فرنندا تورس – من هنوز اینجا هستم (I’m Still Here) نامزدم اسکار بهترین بازیگر زن هستند. و من امیدوارم فرندا تورس به‌خاطر توانایی فوق‌العاده‌اش از زنده‌کردن نقش زنی مبارز که در جست‌وجوی همسر ناپدیدشده‌اش است، همچون گلدن گلوب، اسکار را نیز به دست آورد. اما حدس من این است که دبی مور به‌خاطر ایفای نقشی نه‌چندان دشوار در فیلم پیش پا افتاده «ماده» برنده اسکار باشد.

نامزدهای اسکار در بخش بهترین بازیگر نقش مکمل مرد این بازیگران هستند: پورا بوریسوف – آنورا (Anora)، کبرن کالکین – درد واقعی (A Real Pain)، ادوارد نورتن – یک ناشناس کامل (A Complete Unknown)، گای پیرس – بروتالیست (The Brutalist) و جرمی استرانگ – کارآموز (The Apprentice). باید فیلم «کارآموز» را دیده باشید تا قدرت بازیگری جرمی استرانگ در نقش وکیل شاید ترامپ، کوهن، شگفت‌زده‌تان کرده باشید. جرمی استرانگ تغییر شخصیت کوهن و زوال تدریجی او را با استادی به نمایش می‌گذارد. اما آیا اسکار را خواهد برد؟ بعید می‌دانم.

مونیکا باربارو – یک ناشناس کامل (A Complete Un-known)، آریانا گرانده – شرور (Wicked)، فلیسییتی جونز – بروتالیست (The Brutalist)، ایزابلا روسلینی – ملاقات محرمانه (Conclave) و زونی سالدانا – امیلیا پرز (Emilia Pérez) نامزدهای بهترین بازیگر نقش مکمل زن هستند و ایزابلا روسلینی شایسته‌ترینشان برای دریافت اسکار است که بازی روان و جذابی را در «ملاقات محرمانه» به نمایش می‌گذارد.

نامزدهای بهترین فیلم بین‌المللی این پنج فیلم‌اند: من هنوز اینجا هستم (I’m Still Here) – برزیل، دختری با سوزن (The Girl With The Needle) – دانمارک، امیلیا پرز (Emilia Pérez) – فرانسه، دانه انجیر معابد (The Seed Of The Sacred Fig) – آلمان، و جریان (Flow) – لیتوانی.

«من هنوز اینجا هستم» نه‌فقط به‌خاطر طرح

موفقیت‌آمیز یک مشکل سیاسی و اجتماعی، بلکه به‌خاطر ساخت ساده و دلنشین سینمایی‌اش شایسته دریافت اسکار است. «جریان» هم یک کار تصویری شگرف در قالب انیمیشن است که به مسائل محیط زیستی دنیای امروز ما می‌پردازد.

«دانه انجیر معابد» ساخته رسول‌اف، متأسفانه برخلاف فیلم قبلی او، ساختمان سینمایی آشفته‌ای دارد. جالب است کشور دانمارک با وجود فیلم بسیار مهم و خوش‌ساخت «کارآموز» فیلمی متوسط‌را به اسکار فرستاده است. حدس من این است که «امیلیا پرز» اسکار این بخش را بگیرد.

در بخش بهترین فیلم انیمیشن، این فیلم‌ها نامزد جایزه اسکار هستند: جریان (Flow) و بیرون و ۲ (Inside Out ۲)، خاطرات یک حلزون (Memoir Of A Snail)، والاس و گرومیت: انتقام پرندگان (Wallace & Gromit: Vengeance Most Fowl) و ربات وحشی (The Wild Robot). واقعا انتخاب یک فیلم از میان این جمع کار سختی است. امسال اوج سلیقه والا و برداخت هشیارانه را در فیلم‌های انیمیشن ارائه‌شده به گلدن گلوب و اسکار را می‌توان دید، به‌ویژه در فیلم‌های «خاطرات یک حلزون» که چه قوه تخیل کم‌ظنیری پشت آن است و «ربات وحشی» که اوج قدرت انیمیشن این روزگار است. اما این «جریان» است که در طول ۸۵ دقیقه زمانش حتی از یک کلام دیالوگ استفاده نمی‌شود و با استفاده از قدرت انیمیشن به شکلی بسیار ساده به مسائل محطززیستی می‌پردازد. «جریان» در گلدن گلوب برنده شد و

امیدوارم به اسکار هم برسد. آنورا (Anora)، بروتالیست (The Brutalist)، درد واقعی (A Real Pain)، پنج سپتامبر (September 5)، و ماده (The Substance) نامزندان جایزه بهترین فیلم‌نامه اورجینال هستند. این انتخاب نشانه بی‌سلیقگی رای‌دهندگان است و از میان آنها فقط «بروتالیست» فیلم‌نامه‌ای قابل پذیرش دارد و در مرحله بعد «درد واقعی».

نامزدهای بهترین فیلم‌نامه اقتباسی این فیلم‌ها هستند: یک ناشناس کامل (A Complete Unknown)، ملاقات محرمانه (Conclave)، امیلیا پرز (Emilia Pérez)، پسران نیکل (Nickel Boys) و سینگ سینگ (Sing Sing).

بی‌شک «یک ناشناس کامل» اقتباس صادقانه و دقیقی است که حسن نهفته در قصه را به‌خوبی به تصویر می‌کشد. حسن نهفته، فیلم‌ساز، نویسنده و متفقد سینمایی، ۲۰ سالی است که در آمریکا نشریه Cinema Without Borders را اداره می‌کند و داور هشتادودومین دوره گلدن گلوب است و عضو فراسیون جهانی منتقدان فیلم Fipresci است.

بی‌شک «یک ناشناس کامل» اقتباس صادقانه و دقیقی است که حسن نهفته در قصه را به‌خوبی به تصویر می‌کشد. حسن نهفته، فیلم‌ساز، نویسنده و متفقد سینمایی، ۲۰ سالی است که در آمریکا نشریه Cinema Without Borders را اداره می‌کند و داور هشتادودومین دوره گلدن گلوب است و عضو فراسیون جهانی منتقدان فیلم Fipresci است.

نامزدهای بهترین فیلم‌نامه اقتباسی این فیلم‌ها هستند: یک ناشناس کامل (A Complete Unknown)، ملاقات محرمانه (Conclave)، امیلیا پرز (Emilia Pérez)، پسران نیکل (Nickel Boys) و سینگ سینگ (Sing Sing).

بی‌شک «یک ناشناس کامل» اقتباس صادقانه و دقیقی است که حسن نهفته در قصه را به‌خوبی به تصویر می‌کشد. حسن نهفته، فیلم‌ساز، نویسنده و متفقد سینمایی، ۲۰ سالی است که در آمریکا نشریه Cinema Without Borders را اداره می‌کند و داور هشتادودومین دوره گلدن گلوب است و عضو فراسیون جهانی منتقدان فیلم Fipresci است.

همایون اسعدیان: سینمای ایران آینده بسیار خوبی

درپیش خواهد داشت

شد تا چگونگی فعالیت کارگردان‌های مختلف را رصد کنم و این مسئله برای من حاوی موارد آموزنده‌ای بود. او ادامه داد: در ابتدا به عنوان عکس در فیلم «شب حادثه» ساخته سیروس الوند مشغول به کار شدم. فیلم‌برداری این اثر از شهرهای شمالی آغاز شد و زمانی‌که پس از چند روز عکس‌ها را چاپ کردم و در اختیار او قرار دادم، نگاهی به آنها انداخت و به من گفت تو می‌خواهی کارگردان شوی. هنوز پس از این همه سال نمی‌دانم او چطور این موضوع را تشخیص داد.

این فیلم‌ساز بیان کرد: زمانی که در کانون پرورش فکری بودیم، فکر می‌کردیم که نسل ما قرار است سینمای ایران را متحول کند. تصورمان این بود زمانی که وارد این عرصه خواهیم شد، نفرات قبلی دیگر فعالیتتی نخواهند داشت. سال‌ها طول کشید تا متوجه شدم روند ماجرا این‌گونه نیست و نسل‌های گذشته به یک‌باره محو نمی‌شوند و افراد در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

اسعدیان با بیان اینکه بدترین بخش فیلم‌سازی این است که وقتی کاری را انجام می‌دهیم، فکر کنیم فیلم خوبی را تولید کرده‌ایم، افزود: این موضوع چیزی نیست که بتوانیم آن را تشخیص دهیم و معمولا دچار اشتباه می‌شویم. من زمانی که تدوین یک فیلم را به اتمام می‌رسانم، از افرادی با سلیقه‌های متفاوت که نظرات آنها برایم اهمیت دارد، دعوت می‌کنم تا به تماشای اثر بنشینند و مطابق با آرای آنها ممکن است حتی تدوین فیلم را تغییر دهم.

او درباره آثار تلویزیونی خود نیز گفت: من چندین سال از سینما فاصله گرفتم و در تلویزیون سریال‌های «بچه‌های خیابان»، «اگه بابام زنده بود» و «راه بی‌پایان» را کارگردانی کردم. بعد از آن منوچهر محمدی از من برای کارگردانی سه تله فیلم دعوت کرد. زمانی که مشغول ساخت «آخرین گریه خورشید» بودیم، به دنبال قصه فیلم سوم می‌گشتیم

خبر

سینمای کمدی باید طنز موقعیت باشد نه لودگی

بازیگر سینما، ناتار و تلویزیون می‌گوید:

مدت زمانی طولانی است که نتوانستم

زیاد به سینما بروم اما سینمای کمدی به نظر من باید طنز موقعیت باشد نه طنز لودگی. به گزارش ایرنا، مریم مومن که این روزها مشغول ایفای نقش در نمایش «راه خروجی نیست» به کارگردانی طاه‌ا محمدی و تهیه‌کنندگی حسین اسماعیلی در عمارت نوفل‌لوشاتو است، در گفت‌وگو با خبرنگار سینمایی ایرنا در این باره که تعریف شما از سینمای کمدی چیست و آیا آثار سینماییی که در حال اکران هستند، آثار کمدی به این معنا محسوب می‌شوند، اظهار داشت: بازیگر است که باید این نوع طنز را با بازی خود به مخاطب برساند و خیلی چیزهای دیگر در آن دخیل است؛ مثل متن خوب و بازیگرهای خوب و درجه‌یک.

کارهای کمدی برای من قابل احترام است،

مومن گفت: این نوع کارها برای من خیلی قابل احترام هستند و مخاطب از نظر من با توجه به شرایط جامعه به این نوع کارها یعنی سینمای کمدی و سینمای طنز نیاز دارد. مردم یک ساعت یا یک ساعت و نیمی از این فضای بدم (تاریک) دور می‌شوند و من خیلی می‌پرسم که آیا آخرین کارهای کمدی که اخیراً دیده‌ام به «مت‌بری» و «هزل» اشاره کرد و در این باره که کدام یک از این آثار مطابق با تعاریف از یک سینمای کمدی است، اظهار داشت: من همه این کارها را دوست دارم. چون متن‌ها، متن‌های جذابی هستند. البته کارهای همکاران من است و برای من خیلی قابل احترام هستند.

سینمای کمدی باید حرفی برای گفتن داشته باشد: این بازیگر سینما، ناتار و تلویزیون تصریح می‌کند که سینمای کمدی همچنین باید حرفی برای گفتن داشته باشد. البته شاید مانند تئاتر نشود ولی خیلی از حرف‌ها را در قالب طنز به مخاطب ارائه می‌کند و تلاش سینماگران بر این است که علاوه بر شاگردن فضای جامعه حقایقی را نیز در این قبیل کارها بیان کنند. مومن می‌گوید: نمی‌شود تلاش همکاران و فیلم‌سازان در ساخت چنین آثاری را نادیده گرفت و این‌کارها هم قابل تقدیر هستند. او در عین حال بدون عنوان‌کردن نام اثر، از ایفای نقش در یک سریال نمایش خانگی خبر داد. مومن این‌را هم گفت که در جشنواره فجر امسال با یک اثر حضور داشت و یک کار دیگر هم قرار بود به جشنواره بیاید که نرسید.

کارگردان «این بود زندگی»: تئاتر یک جریان است که باید ادامه پیدا کند

کارگردان نمایش «این بود زندگی» درباره شرایط دوقطبی جامعه تئاتر که نسبت به اجرا رفتن یا تحریم با یکدیگر اختلاف نظر دارند، گفت: نظر هر دو گروه محترم است. به هر حال این موضوع یک تصمیم شخصی است. اما فکر می‌کنم تئاتر یک جریان بوده که باید ادامه پیدا کند. سکوت و کار نکردن برای من راه‌حل به شمار نمی‌آید. به گزارش ایرنا، بنفشه ریاضی درباره دغدغه‌ای که موجب تولید این اثر شده است، گفت: قصد داشتم با گروهی از بازیگرهای جوان و مستعدی که از هنرجویان دوره‌های کلاس بازیگری آقای وحید جلیلووند بودند، نمایشی را اکران کنم. بنابراین تصمیم گرفتیم نشان‌دادن حسرت‌ها و روابط نسل جوان و مشكلاتشان را در قالب خوابگاه دانشجویی به تصویر بکشیم. او همچنین درباره مخاطب هدف این نمایش و بازخوردهایی که از مخاطبان آن گرفته است، بیان کرد: مخاطب ما قشر خاصی نیست. اما شاید جوانان و بچه‌هایی که زندگی خوابگاهی را تجربه کرده‌اند، بیشتر با آن همذات‌پنداری کنند. البته در طول این شب‌ها مخاطبان در هر سن و قشری، خیلی اجرا را دوست داشتند و با آن سمیات شدند. این کارگردان تئاتر درباره شرایط دوقطبی جامعه تئاتر که نسبت به اجرا رفتن یا تحریم با یکدیگر اختلاف نظر دارند، گفت: نظر هر دو گروه محترم است. به هر حال این موضوع یک تصمیم شخصی است. اما فکر می‌کنم تئاتر یک جریان است که باید ادامه پیدا کند. سکوت و کار نکردن برای من راه‌حل به شمار نمی‌آید. ریاضی همچنین درباره همکاری با خانه هنرمندان ایران بیان کرد: همکاری با خانه هنرمندان ایران تا اینجای کار خیلی تجربه خوبی بوده است. حال و هوای سالن انتظامی برای من، ملو از حس‌های خوب است.

^[1] کارگردان نمایش «این بود زندگی» درباره شرایط دوقطبی جامعه تئاتر که نسبت به اجرا رفتن یا تحریم با یکدیگر اختلاف نظر دارند، گفت: نظر هر دو گروه محترم است

^[2] کارگردان نمایش «این بود زندگی» درباره شرایط دوقطبی جامعه تئاتر که نسبت به اجرا رفتن یا تحریم با یکدیگر اختلاف نظر دارند، گفت: نظر هر دو گروه محترم است